دعای مسجد صعصعة بن ‌صوحان

بِسمِ اللَهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيم

اللٰهُمَّ يا ذا المِنَنِ السّابِغَةِ

پروردگارا، ای صاحب نعمت‌های سرشار

و الآلاٰءِ الوازِعَة

و ای مالِکِ عنایات گسترده

و الرَّحمَةِ الواسِعَةِ

و ای دارای رحمت بی‌پایان

و القُدرَةِ الجامِعَة

و ای صاحب قدرت فراگیر

و النِّعَمِ الجَسيمَةِ

و ای مالِکِ نعمت‌های بزرگ

و المَواهِبِ العَظيمَةِ

و ای دارای موهبت‌های عظیم

و الأيادِى الجَميلَةِ

و ای صاحب احسان‌های زیبا

و العَطايا الجَزيلَة

و مالِکِ عطاهای بسیار!

يا مَن لاينعَتُ بِتَمثيلٍ

ای آنکه به مثالی توصیف نگردد

و لا يمَثَّلُ بِنَظيرٍ

و به مانندی شبیه نشود

و لا يغلَبُ بِظَهير

و با یاریِ هیچ قدرتی مغلوب نگردد

يا مَن خَلَقَ فَرَزَقَ

و ای کسی که آفرید و روزی داد

و ألهَمَ فَأنطَقَ

و الهام بخشید و گویا ساخت

و ابتَدَعَ فَشَرَع

و به‌وجود آورد و آغاز نمود

و عَلا فارتَفَعَ

بالا رفت و رفعت یافت

و قَدَّرَ فَأحسَنَ

عالَم را تقدیر نمود و نیکو اندازه داد

و صَوَّرَ فَأتقَن

صورت بخشید و استوار ساخت

و احتَجَّ فَأبلَغَ

حجّت آورد و ابلاغ نمود

و أنعَمَ فَأسبَغَ

نعمت بخشید و فراوان گردانْد

و أعطىٰ فَأجزَلَ

عطا فرمود و فزونی بخشید

و مَنَحَ فَأفضَل

مرحمت فرمود و تفضّل نمود

يا مَن سَما فِى العِزِّ فَفاتَ نَواظِرَ الأبصار

ای آنکه در عزّت بالا رفت پس از دیدگان بینای دل‌ها عبور نمود

و دَنا فِى اللُّطفِ فَجازَ هَواجِسَ الأفكار

و آن‌چنان در لطافت نزدیک شد که از خطوراتِ اندیشه‌ها نیز گذشت

يا مَن تَوَحَّدَ بِالمُلك فَلاٰ نِدَّ لَهُ فِى مَلَكوتِ سُلطانِه

ای آن‌که در فرمانروایی یگانه است؛ پس در قلمروِ سلطنتش شریکی ندارد

و تَفَرَّدَ بِالآلاٰءِ و الكبرياءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فى جَبَروتِ شَأنِه

و در نعمت‌بخشی و بلند‌منشی یکتاست، پس برای او در عظمتِ جایگاهش رقیبی نیست

يا مَن حارَت فِى كبرياءِ هَيبَتِهِ دَقائِقُ لَطائِفِ الأوهام

ای آن ‌که در شکوه هیبتش وهم‌های دقیق و لطیف نیز حیران گشته‌اند

و انحَسَرَت دونَ إدراك عَظَمَتِهِ خَطائِفُ أبصارِ الأنام

و دیدگان خلائق حتی از ادراکِ نیم‌نگاهی به عظمتش فرومانده‌اند

يا مَن عَنَتِ الوُجوهُ لِهَيبَتِهِ

ای آن‌ که رخسارها در برابر هیبتش به خواری افتاده

و خَضَعَتِ الرِّقابُ لِعَظَمَتِهِ

و گردن‌ها در برابر عظمتش خاضع شده

و وَجِلَتِ القُلوبُ مِن خيفَتِه

و دلها از ترس او هراسان گشته‌اند

أسألُك بِهَذِهِ المِدحَةِ الَّتِى لاتَنبَغى إلّا لَك

از تو درخواست می‌کنم به حقّ این ستایش که فقط شایستۀ توست

و بِما وَأيتَ بِهِ عَلىٰ نَفسِك لِداعيك مِنَ المُؤمِنين

و به حقّ وعده‌ای که به مؤمنانِ دعاکنندۀ به‌ درگاهت داده‌ای

و بِما ضَمِنتَ الإجابَةَ فيهِ عَلىٰ نَفسِك لِلدّاعين

و به حقّ اجابتی که برای دعاکنندگان ضمانت فرموده‌ای

يا أسمَعَ السّامِعينَ

ای شنواترین شنوایان

و أبصَرَ النّاظِرينَ

ای بیناترین بینایان

و أسرَعَ الحاسِبين

ای سریع‌ترین حسابرسان

يا ذا القوَّةِ المَتينَ

ای صاحب نیروی استوار

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبيينَ و عَلَىٰ أهلِ بَيتِه

بر محمّد، خاتم پیامبران و بر اهل‌بیتش درود فرست

و اقسِم لِى فِى شَهرِنا هٰذا خَيرَ ما قَسَمت

و در این ماه، بهترین چیزی را که قسمت کرده‌ای نصیب من فرما

و احتِم لى فى قَضائِك خَيرَ ما حَتَمت

و در قضای خود بهترین سرنوشت را برایم مقدّر ساز

و اختِم لِى بالسَّعادَةِ فيمَن خَتَمت

و عاقبت مرا به سعادت ختم فرما، در زمرۀ آنان که به سعادت ختم نمودی

و أحينى ما أحييتَنى مَوفوراً

و تا زمانی که مرا زنده‌ داشته‌ای، در وفور نعمت قرار ده

و أمِتنى مَسروراً و مَغفوراً

و مرا شادمان و آمرزیده بمیران

و تَوَلَّ أنتَ نَجاتِى مِن مُساءَلَةِ البَرزَخ

و نجاتِ مرا از سؤال و جواب برزخ، تو خود برعهده گیر

و ادرَأ عَنّى مُنكراً و نَكيراً

و منکر و نکیر را از من دور گردان

و أرِ عَينى مُبَشِّراً و بَشيراً

و فرشتگان مُبَشِّر و بَشیر (که مژده‌دهندگان سعادت‌اند) را به من بنمای

و اجعَل لِى إلىٰ رِضوانِك و جِنانِك مَصيراً

و راهی به‌سوی رضوان و بهشت‌هایت برایم قرار ده

و عَيشاً قَريراً و مُلكاً كبيراً

و زندگانی‌ای خوش و مُلکی عظیم نصیبم فرما

و صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ و آلِهِ كثيراً

و بر محمّد و آل او درودِ بسیار فرست.